



خبر

انتقام خواستگار کینه جو از زن رستوران دار

گروه حوادث/ پسر جوان وقتی با پاسخ منفی زن مورد علاقه‌اش روبه‌رو شد او را در رستوران‌اش گروگان گرفت و رویش اسید پاشید. به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، ساعت ۹ شب دوشنبه ۶ شهریور پسر جوانی وارد رستوران فست فودی در بلوار فردوس شد. چند مشتری داخل مغازه بودند و مرد جوان در حالی که چاقویی به‌دست داشت، نه تنها مشتری‌ها، بلکه پرسنل فست فود را نیز با تهدید بیرون کرد. او بعد از بیرون کردن ۱۰ مشتری و پرسنل، درهای مغازه را از داخل قفل و صاحب رستوران را که زن میان‌سالی به نام ستاره بود در مغازه حبس کرد. شاهدان این ماجرا بافلاصه با پلیس تماس گرفتند. موضوع گروگانگیری به بازپرس محمد رضا صاحب جمعی اعلام شد. دقایقی بعد مأموران راهی محل شدند اما مرد جوان به نام حمید در مغازه را بسته بود و مدام تهدید می‌کرد که اگر کسی وارد شود ستاره را خواهد کشت. مأموران سعی داشتند با صحبت کردن مرد جوان را وادار کنند تسلیم شود و ستاره را آزاد کنند. با گذشت ۷ ساعت، از آنجایی که جان زن جوان در خطر بود بازپرس شعبه ششم دادرسی امور جنایی تهران دستور ورود به مغازه را صادر کرد. بدین ترتیب مأموران با رعایت قوانین امنیتی پس از آنکه مغازه را به محاصره درآوردند، در ورودی را شکسته و با ورود به محل مرد جوان را بازداشت کردند.

با ورود به مغازه، مشخص شد ستاره از سوی مرد جوان مورد اسید پاشی قرار گرفته بنابراین برای درمان به بیمارستان منتقل شد. متهم نیز در تحقیقات گفت: مدتی است که عاشق این زن شده‌ام اما وقتی به خواستگاری‌اش رفته جواب رد داد. گفت تو ۲۰ سال از من کوچک‌تری یا اینکه می‌گفت من بچه دارم و بچه‌ها دوست ندارند ازدواج کنم و تو جای بچه من هستی. او ادامه داد: بهانه‌های ستاره برای ازدواج نکردن با من ادامه داشت تا شب حادثه که مست کردم. آن شب به فکر انتقام‌گیری از ستاره افتادم. به همین دلیل مقداری مواد اسیدی تهیه کرده و به رستوران‌ش رفتم. مشتری‌ها و کارکنان آنجا را بیرون کرده و مقداری از مواد اسیدی را روی دست‌ها و بدنش ریختم. به‌دنبال اعتراضات پسر جوان به دستور بازپرس شعبه ششم دادرسی امور جنایی تهران او در اختیار کارآگاهان اداره شانزدهم پلیس آگاهی قرار داده شد.

حوادث جهان

زندگی مار پیتون در انبار خانه



خانواده‌ای در برزیل استرالیا زمانی که به انباری آشپزخانه خود رفتند با دیدن یک مار پیتون بزرگ شوکه شدند. این خبر در حساب رسانه‌های اجتماعی شرکت خدمات مار برزیل شمالی که چند روز قبل در این خانه حضور یافته بود به اشتراک گذاشته شد. این پست‌ها شامل تصویری از مار است که در چندین قفسه قرار گرفته است. در این پست به طور خلاصه توضیح داده شده است که یک مار پیتون فرش ساحلی غیررسمی در خانه‌ای در جوینر که در حومه شهر مورتون نزدیکی برزیل است، پیدا شده است.

کشته و ناپدید شدن ۵۲ نفر در سیل چین



تولوزیون مرکزی چین گزارش داد که در پی وقوع سیل، آب یک سایت ساختمانی در استان «سیچوان» واقع در جنوب غرب این کشور را فرا گرفت که به دنبال آن چهار نفر جان خود را از دست داده و ۴۸ نفر دیگر نیز ناپدید شده‌اند. به گزارش اسپوتنیک، این شبکه تلویزیونی اعلام کرد: در زمان وقوع حادثه در مجموع ۲۰۱ نفر در محل حضور داشتند که از این تعداد ۱۴۹ نفر کشته شدند. مقامات محلی همچنین اعلام کردند که عملیات جست‌وجو و نجات ناپدید شده‌ها ادامه دارد. این شبکه تلویزیونی گزارش داد که «شی جین پینگ»، رئیس‌جمهور چین دستورات ویژه‌ای را با هدف بسیج نیروها به منظور تسریع در عملیات جست‌وجوی مفقودان صادر کرده است. چین طی یک ماه اخیر سیل و بارندگی‌های شدیدی را تجربه کرده که منجر به کشته شدن شماری شده است.



توقف کرده و خواهرم را از ماشین بیرون کشیدم و آتش زدم. بعد به دروغ به پدرم گفتم که فرنشوش برای کار به هتل برگشته است. در این مدت هم مدام سعی کردم صحنه‌سازی کنم، اما در نهایت پدرم تصمیم گرفت که از پلیس برای پیدا کردن

ممنوع کرده و خواهرم را از ماشین بیرون کشیدم و آتش زدم. بعد به دروغ به پدرم گفتم که فرنشوش برای کار به هتل برگشته است. در این مدت هم مدام سعی کردم صحنه‌سازی کنم، اما در نهایت پدرم تصمیم گرفت که از پلیس برای پیدا کردن

آتش زدن خواهرم به خاطر بدگوی یک همسایه

گروه حوادث/ پسر جوان پس از شنیدن حرف‌های مرد همسایه، نقشه قتل خواهرش را طراحی کرد و او را به آتش کشید. راز این جنایت پس از ۵ ماه در حالی برملا شد که تحقیقات برای کشف جسد دختر جوان ادامه دارد.

گفت‌وگو با عامل قتل

از کی تصمیم به قتل خواهرت گرفتی؟ یک روز قبل از جنایت. چرا؟ روز قبل از این حادثه، یکی از همسایه‌ها راهم را رسد کرد و مدعی شد خواهرم مشکل اخلاقی دارد. او آنقدر از خواهرم بدگفت که تصمیم گرفتم او را همان روز به قتل برسانم. به فرنشوش زنگ زدم و از او خواستم به خانه بیاید، اما در خانه یکی از دوستانتش میهمان بود و تا شب هر چقدر صبر کردم، نیامد. من تا صبح در ذهنم نقشه می‌کشیدم و منتظر بودم فرنشوش را ببینم.

روزی حادثه چه اتفاقی افتاد؟

وقتی به خانه نیامد، با او تماس گرفتم و گفتم کار مهمی دارم. فرنشوش را به محل قرار می‌دهم. کارهای او زنگ می‌زد. ساعتی بعد او سوار خودرو پرانم شد و من به سمت جاده ساوه حرکت کردم. در میان راه، وارد فرعی شدم و در محلی خلوت

می‌داد که فرنشوش از تهران خارج نشده است. این در حالی بود که از حساب دختر جوان پولی برداشت نشده و هیچ کسی هم او را از ۸ فروردین ندیده بود. زمانی که تیم جنایی مدارک و شواهد را کنار هم قرار دادند، فرضیه جنایت با مرگ فرنشوش قوت گرفت. در ادامه تحقیقات میدانی و بررسی تلفن همراه دختر جوان، مشخص شد که آخرین بار با برادرش هومن قرار ملاقات داشته است. از سویی تحقیق از همسایه‌ها نیز نشان می‌داد برادر و خواهر رابطه خوبی با هم نداشتند.

بدین ترتیب انگشت اتهام به سمت هومن گرفته شد و به دستور بازپرس محمدمهدی پراعه، متهم ۴۰ ساله بازداشت شد. هومن ابتدا مدعی بود از سرنشوش خواهرش بی‌خبر است اما روز گذشته در نهایت لب به اعتراف گشود و راز ناپدید شدن او را برملا کرد. با اعتراف مرد جوان به قتل خواهرش، بازپرس شعبه سوم دادرسی امور جنایی تهران دستور کشف جسد را صادر کرد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، اوایل تیر امسال، مرد جوانی به پلیس مراجعه کرد و از ناپدید شدن خواهر ۳۷ ساله‌اش خبر داد و گفت: خواهرم فرنشوش، مدتی است که در هتلی در مشهد به عنوان نظافتچی مشغول به کار شده است. او آخرین بار ۸ فروردین امسال از خانه‌مان در تهران خارج شد تا به مشهد برود. در این مدت از خواهرم خبری نبود و از آنجایی که خواهرم خیلی با خانه در تماس نبود و در شهرستان مشغول به کار بود، اوایل نگرانش نبودیم.

او ادامه داد: تا اینکه بی‌خبری از خواهرم طولانی شد بنابراین با هتل تماس گرفتم و جویای او شدم اما به ما گفتند خواهرم اصلاً به هتل رفته است. وقتی متوجه این موضوع شدیم، با دوست و آشنا تماس گرفتم اما آنها هم اظهار بی‌اطلاعی کردند. در نهایت پدرم تصمیم گرفت ناپدید شدن او را گزارش کند. به دنبال شکایت مرد جوان، به دستور بازپرس جنایی، تحقیقات آغاز شد. بررسی‌های تیم جنایی نشان

بلا تکلیفی ۱۰ ساله زندانی محکوم به قصاص

اتهام معاونت در قتل و برای به‌پرواز شدن و مباشرت در قتل کیفرخواست صادر شد و پرونده برای رسیدگی به شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

در دادگاه چه گذشت

در جلسه دادگاه فرزندان مقتول برای قاتل درخواست قصاص کردند. در جریان رسیدگی به این پرونده برای دادگاه محرز شد که ترانه نقشی در قتل نداشته بنابراین برای او حکم برائت صادر کردند اما به‌پرواز برای قتل به قصاص، برای سرقت اسلحه به دو سال حبس و برای شرب خمر به ۲۴ ضربه شلاق محکوم شد و حکم در دیوان عالی کشور تأیید شد.

پس از آن دو دختر مقتول رضایت بی‌قید و شرط خود را اعلام کردند اما یکی از اولیای دیگر پیگیر پرونده نشد تا اینکه مرد زندانی بعد از ۱۰ سال با توجه به بلا تکلیف بودن سرنشوش از دادگاه خواست به پرونده‌اش رسیدگی شود.

با پذیرش این درخواست رسیدگی به این پرونده بار دیگر در شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران برگزار شد.

در این جلسه که هیچ یک از اولیای دم حضور نداشتند، متهم به جایگاه رفت و ضمن ایراز نامت گفت: در این مدتی که در زندان بودم هر وقت به این موضوع فکر می‌کنم که چرا دست به این قتل زدم و نفعش برای من چه بود به جای روز من مسرت بودم در ابتدا با قهقهه‌های بی‌معنی خودم زدم که دسته قهقه شکست و از کنترل خارج شد از ترسم اسلحه را بیرون آوردم با شلیک گلوله به قلب مرد میانسال شوهرخواهرش شد و گفت: من سال‌ها چند ثانیه‌ای در شوک بودم و وقتی به خود آمدم فهمیدم باید فرار کنم و با پیمان فرار کردم. قضات برای صدور رأی وارد شور شدند.

اتهام معاونت در قتل و برای به‌پرواز شدن و مباشرت در قتل کیفرخواست صادر شد و پرونده برای رسیدگی به شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

در جلسه دادگاه فرزندان مقتول برای قاتل درخواست قصاص کردند. در جریان رسیدگی به این پرونده برای دادگاه محرز شد که ترانه نقشی در قتل نداشته بنابراین برای او حکم برائت صادر کردند اما به‌پرواز برای قتل به قصاص، برای سرقت اسلحه به دو سال حبس و برای شرب خمر به ۲۴ ضربه شلاق محکوم شد و حکم در دیوان عالی کشور تأیید شد.

پس از آن دو دختر مقتول رضایت بی‌قید و شرط خود را اعلام کردند اما یکی از اولیای دیگر پیگیر پرونده نشد تا اینکه مرد زندانی بعد از ۱۰ سال با توجه به بلا تکلیف بودن سرنشوش از دادگاه خواست به پرونده‌اش رسیدگی شود.

با پذیرش این درخواست رسیدگی به این پرونده بار دیگر در شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران برگزار شد.

در این جلسه که هیچ یک از اولیای دم حضور نداشتند، متهم به جایگاه رفت و ضمن ایراز نامت گفت: در این مدتی که در زندان بودم هر وقت به این موضوع فکر می‌کنم که چرا دست به این قتل زدم و نفعش برای من چه بود به جای روز من مسرت بودم در ابتدا با قهقهه‌های بی‌معنی خودم زدم که دسته قهقه شکست و از کنترل خارج شد از ترسم اسلحه را بیرون آوردم با شلیک گلوله به قلب مرد میانسال شوهرخواهرش شد و گفت: من سال‌ها چند ثانیه‌ای در شوک بودم و وقتی به خود آمدم فهمیدم باید فرار کنم و با پیمان فرار کردم. قضات برای صدور رأی وارد شور شدند.

اتهام معاونت در قتل و برای به‌پرواز شدن و مباشرت در قتل کیفرخواست صادر شد و پرونده برای رسیدگی به شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

در جلسه دادگاه فرزندان مقتول برای قاتل درخواست قصاص کردند. در جریان رسیدگی به این پرونده برای دادگاه محرز شد که ترانه نقشی در قتل نداشته بنابراین برای او حکم برائت صادر کردند اما به‌پرواز برای قتل به قصاص، برای سرقت اسلحه به دو سال حبس و برای شرب خمر به ۲۴ ضربه شلاق محکوم شد و حکم در دیوان عالی کشور تأیید شد.

پس از آن دو دختر مقتول رضایت بی‌قید و شرط خود را اعلام کردند اما یکی از اولیای دیگر پیگیر پرونده نشد تا اینکه مرد زندانی بعد از ۱۰ سال با توجه به بلا تکلیف بودن سرنشوش از دادگاه خواست به پرونده‌اش رسیدگی شود.

با پذیرش این درخواست رسیدگی به این پرونده بار دیگر در شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران برگزار شد.

در این جلسه که هیچ یک از اولیای دم حضور نداشتند، متهم به جایگاه رفت و ضمن ایراز نامت گفت: در این مدتی که در زندان بودم هر وقت به این موضوع فکر می‌کنم که چرا دست به این قتل زدم و نفعش برای من چه بود به جای روز من مسرت بودم در ابتدا با قهقهه‌های بی‌معنی خودم زدم که دسته قهقه شکست و از کنترل خارج شد از ترسم اسلحه را بیرون آوردم با شلیک گلوله به قلب مرد میانسال شوهرخواهرش شد و گفت: من سال‌ها چند ثانیه‌ای در شوک بودم و وقتی به خود آمدم فهمیدم باید فرار کنم و با پیمان فرار کردم. قضات برای صدور رأی وارد شور شدند.

پایان مرگبار فرار از برادر جنایتکار



گروه حوادث/ مرد جوانی که در اقدامی هولناک همسرش را با شلیک گلوله در قم به قتل رسانده و همراه برادرش به شیراز فرار کرده بودند در جریان عملیات دستگیری کشته شدند.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، ساعت ۲۰ و ۵۰ دقیقه پنجم مرداد امسال، صدای شلیک گلوله در محله جوادالائمه نیروگاه قم مأموران پلیس را به محل کشاند و در بررسی‌های اولیه مشخص شد مردی ۳۰ ساله به دلیل اختلافات خانوادگی با شلیک گلوله همسرش و برادر خود را مجروح کرده است. پس از انتقال آنها به بیمارستان، زن جوان به علت شدت جراحات وارده تسلیم مرگ شد و برادر متهم نیز به بخش مراقبت‌های ویژه انتقال داده شد و از مرگ نجات یافت.

در ادامه تحقیقات، مأموران دریافته‌اند قاتل و برادر دیگرش از شهر خارج شده‌اند از این رو ردیابی متهمان در دستور کار مأموران قرار گرفت تا اینکه با گذشت حدود یک ماه از این جنایت، تلاش‌های شبانه‌روزی پلیس نتیجه داد و مخفیگاه دو متهم فراری در خانه یکی از بستگانشان در شیراز شناسایی شد.

سردار رهام بخش جنایی، فرمانده انتظامی استان فارس در این‌باره گفت: کارآگاهان پلیس آگاهی فارس با هدایت و حضور فرماندهی انتظامی استان و با همکاری نیروهای نوپو یگان ویژه استان و مأموران اعزامی از قم در یک عملیات منسجم با اقدامات فنی و تخصصی مخفیگاه قاتل و همدستش را صبح روز چهارشنبه به محاصره درآوردند و از دو متهم خواستند خودشان را تسلیم کنند، اما آنها بدون توجه به دستور پلیس و حکم قضایی اقدام به تیراندازی کردند. از آنجا که مأموران احتمال می‌دادند در محدوده محل محاصره شده که یک مجتمع مسکونی بود حادثه ناگوار برای ساکنان پیش آید، با هماهنگی فرمانده انتظامی استان فارس پس از آخرین اخطار به متهمان، مأموران پلیس نوبو وارد عمل شدند و در یک عملیات ویژه پس از دو ساعت هر دو متهم در مخفیگاه‌شان کشته شدند.

بررسی سوابق متهم اصلی پرونده نشان می‌دهد ۹ فقره سابقه کیفری از قبیل آدم‌ربایی، تهدید و رب و وحشت، بر هم‌زدن نظم و امنیت عمومی، حمل سلاح و مهمات و... داشته است.

تشکیل هیأت کارشناسی در پرونده بوستان زیتون

برای آوردن توپ از فنس عبور کرد، اما ناگهان داخل آب افتاد. با فریادهای صدرا، یکی از دوقلوها به نام امیرعباس به کمکش رفت که او نیز داخل استخر گرفتار شد. او ادامه داد: برادرش امیرحسین، با دیدن این صحنه فوراً خودش را نزد مادر و خاله‌اش رساند و موضوع را گفت، آنها هم خودشان را به استخر رسانده و با داد و فریاد از مردم کمک خواستند. وقتی اورژانس و آتش‌نشانی رسیدند جسد امیرعباس روی آب آمده بود، اما از جسد پسرم خبری نبود.

در نهایت مأموران آتش‌نشانی جسد پسرم را از عمق ۴ متری استخر بیرون کشیدند. از مسئولان بوستان و کسانی که باعث شده‌اند پسرم و پسرخاله‌اش جانشان را از دست بدهند، شکایت داریم؛ چرا که هیچ گونه علائم هشداردهنده‌ای از طرف نبود که نشان دهد پشت بوته‌ها استخر است. از طرفی فنس باز بود و اگر فنس دور محوطه استخر سالم بود، هرگز بچه‌ها نمی‌توانستند از آن عبور کنند.

بازپرس شعبه سوم دادرسی امور جنایی تهران دستور داد، کارشناسان بررسی کنند که نکات ایمنی در بوستان رعایت شده است یا خیر. همچنین دستور تحقیقات از مسئولان بوستان و شهرداری و پیمانکاری صادر شد و به دستور بازپرس جنایی، هیأت سه‌نفره کارشناسی تشکیل شده تا از محل بازدید کرده و مشخص شود چه کسانی و به چه میزان در مرگ این دو کودک مقصر هستند.

محوطه استخر کشیده شده بود، باز بوده و کودکان با عبور از این قسمت وارد محوطه شدند. پدر صدرا، یکی از کودکانی که در این حادثه جانش را از دست داده، گفت: روز حادثه همسرم همراه سه فرزندم که یکی از آنها صدرا ۸ ساله بود به همراه خواهرش و خواهرزاده‌های دو قلویش که ۶ ساله بودند و مادر همسرم به بوستان زیتون رفتند. بچه‌ها مشغول توپ بازی بودند، همسرم و خواهرش همیشه به بوستان می‌رفتند اما از وجود استخر در محوطه پشت بوته‌ها بی‌خبر بودند.

حین بازی توپ آنها به سمت بوته‌ها می‌رود. دوقلوها باجنابم و پسرم صدرا برای آوردن توپ به سمت بوته‌ها رفتند. قسمتی از فنس دور محوطه استخر باز بوده و صدرا

محوطه استخر کشیده شده بود، باز بوده و کودکان با عبور از این قسمت وارد محوطه شدند.

پدر صدرا، یکی از کودکانی که در این حادثه جانش را از دست داده، گفت: روز حادثه همسرم همراه سه فرزندم که یکی از آنها صدرا ۸ ساله بود به همراه خواهرش و خواهرزاده‌های دو قلویش که ۶ ساله بودند و مادر همسرم به بوستان زیتون رفتند. بچه‌ها مشغول توپ بازی بودند، همسرم و خواهرش همیشه به بوستان می‌رفتند اما از وجود استخر در محوطه پشت بوته‌ها بی‌خبر بودند.

حین بازی توپ آنها به سمت بوته‌ها می‌رود. دوقلوها باجنابم و پسرم صدرا برای آوردن توپ به سمت بوته‌ها رفتند. قسمتی از فنس دور محوطه استخر باز بوده و صدرا